



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی مفهوم نور، تأویلات، تمثیلات و صور خیال آن

(در متون مهم عرفانی نثر فارسی تا انتهای قرن ۶ هجری)

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا یوسفی

استاد مشاور:

دکتر احمد رضایی جمکرانی

نگارنده:

الهه حیدری جونقانی

تابستان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» (نمل، ۱۹)

تقدیر از:

استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمدرضا یوسفی که راهنمایی بنده را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نمودند و در تمامی مراحل، کمکهای بی دریغشان همراه من بود.

و

استاد گرامی و محترم جناب آقای دکتر احمد رضایی جمکرانی که با پذیرش زحمت مشاوره، منت بزرگی بر این حقیر نهادند.

و

روحانی فرزانه و دانشمند حجه الاسلام والمسلمین آقای سعید معمار منتظرین و استاد بزرگوار و مشفق جناب آقای دکتر محسن محمدی فشارکی که شاگردیشان موجب مباهات بنده است.

و

پدر و مادر عزیزم که از سپاس زحماتشان تا ابد قاصر خواهم بود.

و

پدر بزرگ و مادربزرگ مهربانم، که دریای لطفشان را کرانه‌ای و آسمان رأفتشان را انتهایی نمی‌شناسم.

تقديم به:

مشكوه انوار الهى

مصباح الهدى

بحر النبوه

ام الائمة

حجة الله على الحجج

نور الله فى السموات و الارض

زهراى ازهر (سلام

الله عليها)

و

كلمة النور

حجة المعبود

مهدى موعود

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)

چکیده

هدف از این تحقیق بازگشایی یکی از مفاهیم نسبتاً پیچیده متون عرفانی است. مفهوم نور به دلیل اهمیت آن در قرآن و به ویژه به دلیل ساختار رمزی و نمادین آیه نور، بازتابی گسترده در متون عرفانی داشته است. این مفهوم در اکثر مکاتب شرقی به عنوان عنصری مشترک در زوایای مختلف حضور داشته و دستیابی به آن شرط اجتناب‌ناپذیر فلاح و رستگاری در تمام آیین‌ها به شمار می‌رود. از این منظر ادبیات عرفانی از ورود عناصر دخیل از این مکاتب برکنار نبوده و بارزترین مصداق این مسأله تعبیر "نور سیاه" در متون عرفانی دوره مورد بحث که عبارتند از: رساله‌ی قشیریه، کشف‌المحجوب، سوانح‌العشاق، کمیای سعادت، اسرارالتوحید، کشف‌الاسرار، مشکاه الانوار، تمهیدات و نامه‌های عین‌القضات است. این متون به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ی اول (رساله‌ی قشیریه، کشف‌المحجوب، سوانح‌العشاق، کمیای سعادت و اسرارالتوحید) متونی هستند که توجه به مفهوم نور و به طور کلی ساختارهای اشراقی و کشفی در آن‌ها بسیار کم بوده و با محوریت عقل و منطق شکل گرفته‌اند؛ در مقابل، آثار دسته‌ی دوم (کشف‌الاسرار، مشکاه الانوار، تمهیدات و نامه‌های عین‌القضات) حاصل مشاهدات باطنی و مکشوفات قلبی هستند. تأویل در متون دسته‌ی دوم شکل می‌گیرد. با توجه به این که شیوه‌های تأویلی هر یک از عرفا با دیگری تفاوت دارد؛ روش عین‌القضات "تأویل اشراقی"، غزالی "تأویل و تفسیر فلسفی" و میدی "تفسیر عرفانی" است.

کلمات کلیدی: نور، قرآن، تمثیل، صور خیال، تأویل

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۵
۱-۱- نور در قرآن	۶
۲-۱- نور در احادیث	۹
۳-۱- تفاسیر عرفانی	۱۱
۴-۱- تأویل در متون صوفیه	۱۴
فصل دوم: نور در مکاتب	۱۹
۱-۲- مکتب هندو	۲۰
۲-۲- زروانی	۲۱
۳-۲- مهر پرستی (میترا)	۲۲
۴-۲- مانی	۲۲
۵-۲- مزدک	۲۳
۶-۲- زردتشت	۲۳
۷-۲- حکمت اشراق	۲۴
۸-۲- مکتب بودا	۲۷
۹-۲- کتاب مقدس	۲۸
فصل سوم: جایگاه نور در متون منتخب	۳۰
۱-۳- رساله قشیریه	۳۱
۲-۳- کشف المحجوب	۳۵
۳-۳- کیمیای سعادت	۳۷

۴۷	۳-۴- سوانح العشاق.....
۴۹	۳-۵- اسرار التوحید.....
۵۳	۳-۶- نامه‌های عین القضاة.....
۶۷	فصل چهارم: تأویلات آیه نور.....
۶۹	۴-۱- مشکاة الانوار.....
۶۹	۴-۲- تقسیمات غزالی از نور.....
۷۲	۴-۳- دیدگاه غزالی درباره تاویل.....
۷۲	۴-۳-۱- لفظ و معنا.....
۷۳	۴-۳-۲- تمثیل در قرآن.....
۷۳	۴-۳-۳- تاویل و تعبیر.....
۷۴	۴-۴- روش غزالی در تاویل.....
۷۵	الف) ماهیت و حقیقت.....
۷۵	ب) سبب، علت، غایت.....
۷۵	ج) ضروریات، قدیم، حادث، خبر (کذب و صدق).....
۷۶	۴-۵- تاویل غزالی از آیه نور.....
۷۹	۴-۶- کشف الاسرار و عدة الابرار.....
۷۹	۴-۷- تقسیمات میبدی از نور.....
۸۱	۴-۷-۱- انوار اهل شریعت.....
۸۱	۴-۷-۲- انوار اهل حقیقت.....
۸۲	۴-۷-۳- انوار اهل عبودیت.....
۸۲	۴-۸- مراتب سالکان.....
۸۶	۴-۹- روش میبدی در تاویل.....
۸۶	۴-۹-۱- ساختار دو گانه.....
۸۷	۴-۹-۲- ساختار سه گانه.....
۸۷	۴-۹-۳- ساختار نور بر نور.....
۸۸	۴-۹-۴- کاربرد داستان.....
۸۸	۴-۱۰- تمهیدات.....
۸۹	۴-۱۱- تقسیمات عین القضاة از نور.....

۸۹	۴-۱۱-۱- نور احمدی
۹۰	۴-۱۱-۲- نور ابلیسی
۹۰	۴-۱۱-۳- نور ایمان و توحید
۹۳	۴-۱۲- تقابل نور و ظلمت
۹۴	۴-۱۳- نور سیاه، سایه نور سفید
۹۵	۴-۱۴- نور الله و نور رسول الله (ص)
۹۶	۴-۱۵- حجابهای نورانی و ظلماتی
۹۶	۴-۱۵-۱- حجابهای عوام
۹۶	۴-۱۵-۲- حجابهای خواص
۹۷	۴-۱۵-۳- حجابهای خواص خواص
۹۷	۴-۱۶- جغرافیای عرفانی عین القضاة
۹۸	۴-۱۷- دیدگاه عین القضاة درباره تاویل
۹۸	۴-۱۷-۱- دانستن تجربی یا دانستن ذهنی
۹۸	۴-۱۷-۲- حقیقت یا نماد
۹۹	۴-۱۷-۳- بصیرت درونی
۹۹	۴-۱۸- روش عین القضاة در تاویل
۹۹	۴-۱۸-۱- ارجاع باطن به باطن
۱۰۰	۴-۱۸-۲- تاویل شخصی
۱۰۰	۴-۱۸-۳- نظریه تشابه
۱۰۱	۴-۱۹- تاویلات آیه نور در تمهیدات
۱۱۳	فصل پنجم: تعابیر رمزی
۱۱۴	۵-۱- رمز یا سمبل
۱۱۵	۵-۲- تعابیر رمزی نور
۱۳۵	فصل ششم: نتیجه گیری
۱۳۶	۶-۱- نتیجه گیری
۱۴۰	فهرست آیات
۱۴۶	فهرست روایات
۱۴۸	فهرست منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی.....	۱۴۹
ب: منابع عربی.....	۱۵۲
ج. مقالات.....	۱۵۲

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۳ تاویل آیه الكرسي ۵۶
- نمودار ۱-۴ - تقسیمات غزالی از نور ۷۱
- نمودار ۲-۴ - تأویل غزالی از آیه نور ۷۷
- نمودار ۳-۴ - تقسیمات نور از نظر میدی ۸۵
- نمودار ۴-۴ - تقسیمات نور از دیدگاه عین القضاة ۹۲
- نمودار ۵-۴ - تاویلات عین القضاة از قسمت اول آیه نور (الف) ۱۰۵
- نمودار ۶-۴ - تاویلات عین القضاة از قسمت اول آیه نور (ب) ۱۰۶
- نمودار ۷-۴ - تاویلات قسمت دوم آیه نور ۱۰۸
- نمودار ۸-۴ - تاویلات شجره مبارکه ۱۱۱

فهرست جدول‌ها

جدول ۳-۱- فراوانی کاربرد نور در متون منتخب..... ۶۶

جدول ۵-۱- موضوعی تعابیر رمزی..... ۱۳۴

مقدمه

الف) تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق

هر متن عرفانی، از مفاهیم متعددی شکل گرفته است. هر یک از مفاهیم مطرح شده در متون عرفانی، حکم عناصر تشکیل دهنده آن متن را دارند. بنابراین، شناخت و بررسی این مفاهیم، ما را در درک بهتر متون عرفانی و بازگشایی غوامض آنها یاری خواهد کرد. در این رساله، به بررسی مفهوم «نور»، در متون عرفانی نثر فارسی، تا پایان قرن ششم هجری پرداخته می شود. سعی شده از میان حجم عظیم متون عرفانی نثر فارسی در این دوره، متون برجسته، انتخاب شده و تحلیل و بررسی شود. سوالات این تحقیق به شرح زیر است:

۱- تاثیر مفهوم نور بر متون عرفانی در دوره‌های مختلف چگونه است؟

۲- آیا به آیه نور و تاویلات آن در متون مختلف توجه شده است؟

۳- شیوه تاویل آیات در متون منتخب به چه شکل است؟

۴- متون بررسی شده از چه جنبه‌هایی با یکدیگر تفاوت دارند؟

ب) اهداف پژوهش

چنین پژوهش‌هایی، در حوزه ادبیات عرفانی، زمینه را برای فهم بهتر متون و بازگشایی زاویای مختلف جهان بینی عرفانی فراهم کرده و به ما امکان می‌دهد که بتوانیم، سیر یک مفهوم خاص را در متون مختلف بررسی کنیم.

پ) اهمیت پژوهش

از آنجا که مفهوم نور، یکی از مفاهیم اساسی و پرکاربرد در متون عرفانی است، پژوهش مستقل در مباحث مختلف مرتبط با این مفهوم، از لحاظ بازشناسی زوایای مختلف اندیشه عرفانی، حایز اهمیت خواهد بود. علاوه بر این، این پژوهش؛ امکان مقایسه مفاهیم مطرح شده در متون منتخب را با سایر متون عرفانی دیگر، برای ما فراهم می کند و می تواند در پژوهشهای مشابه بعدی در حوزه های زمانی دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

ت) فرضیات تحقیق

۱) به نظر می رسد توجه به مفهوم نور و تاثیر آن بر متون متقدم عرفانی نثر فارسی، نسبت به دوره های بعدی، بسیار کمتر است.

۲) در متون اولیه مانند: کشف المحجوب هجویری، اسرارالتوحید محمدبن منور و رساله قشیریه، مبحث تاویل آیات، به خصوص، تاویل آیه نور به چشم نمی خورد..

۳) روش میدی در کشف الاسرار و محمد غزالی در مشکوه الانوار و عین القضاة در تمهیدات، در تاویل آیه نور و آیات مرتبط با آن، با یکدیگر تفاوت دارد.

۴) در میان متون بررسی شده، آثار عین القضاة، هم از لحاظ نوع جهان بینی و هم از لحاظ شیوه ارایه مطالب و تاویلات آیات، با دیگر آثار، بسیار متفاوت است.

ث) پیشینه تحقیق

در مورد مفهوم نور، در متون عرفانی، به خصوص در گستره زمانی که در این رساله بررسی شده، تا به حال پژوهش مستقلی انجام نشده است البته ابو حامد غزالی (قرن ۵۶۰ق) در کتاب «مشکاه الانوار» و شرف الدین نیمدهی (قرن ۵۹۰ق) در کتاب «رساله الانوار» به طور خاص به آیه نور پرداخته اند. در عصر حاضر مقالات و کتابهایی مرتبط با بعضی موضوعات مطرح شده در این مفهوم، نوشته شده است؛ مانند کتاب «انسان نورانی در تصوف ایرانی از پروفیسور هانری کربن» که لازم به توضیح است، پژوهش ایشان غالباً بر روی متونی غیر از متون بررسی شده در این رساله بوده است. از میان مقالات نیز، مقالاتی تحت عنوان نور سیاه، نور محمدی، و تفاسیر مختلف آیه نور نوشته شده که همه جزو موضوعات فرعی این بحث هستند.

ج) روش تحقیق

ابتدا متون منتخب مطالعه شده و قسمت‌های مرتبط با موضوع رساله، استخراج شد. بدین ترتیب، مطالب گردآوری شده، موضوعاتی را که باید روی آنها کار می‌شد، مشخص کرد. سپس موضوعات، دسته بندی شده و تحلیل شدند. روش تحلیل بر پایه تقسیم بندی‌های جزئی و موضوعی و بازناسی مفاهیم متقابل و ارایه الگوهای تاویلی هر متن و مشخص کردن ساختارهای فکری و زبانی متون و مقایسه آنها با یکدیگر استوار شده است. در پایان، جمع‌بندی‌نهایی انجام شده و نتایج تحقیق به دست آمد. این پژوهش شش فصل دارد که عبارتند از:

۱- کلیات: شامل بحث‌های کلی و مرتبط با موضوع رساله، که عبارتند از: بررسی مفهوم نور در قرآن و حدیث، تعریف دو واژه قرآنی تفسیر و تاویل و وجوه مختلف کاربرد آنها، بررسی تفاسیر عرفانی و سیری که این تفاسیر تا قرن هفتم هجری طی کرده‌اند و در پایان بررسی جایگاه تاویل در متون صوفیه .

۲- نور در مکاتب: در این فصل سعی شده تا مفاهیم مشترک میان مکاتب مختلف شرق، استخراج شده و مورد تحلیل قرار گیرد. لازم به ذکر است که در این بخش، تنها به مکاتب مهم و اصلی مشرق زمین پرداخته شده است.

۳- تحلیل مفهوم نور در متون منتخب: این فصل شامل تحلیل و بررسی مطالبی است که در متون مورد پژوهش، استخراج شده بود. این تحلیل در زیر فصلهایی مانند: آیات، احادیث، ادعیه، اصطلاحات و تمثیلات انجام شده است.

۴- تاویلات غزالی و میبدی و عین القضاة: در این فصل ابتدا تقسیم بندی‌های این سه مولف از نور، همراه با نمودار این تقسیمات ارایه شده است.

سپس به بررسی تاویلات آنها از آیه نور پرداخته و در پایان، شیوه تاویلی هر یک، به طور جداگانه ترسیم شده است.

۵- تعابیر رمزی: تعابیر رمزی که از مفهوم نور، شکل می‌گیرند به صورت الفبایی مرتب شده‌اند. برای هر تعبیر، تعریفی کوتاه و متناسب با نحوه کاربرد آن آورده شده و سپس قسمت‌هایی از متونی که آن تعبیر، در آنها به کار رفته، ذکر شده است. در پایان، جدول موضوعی تعبیرات ارایه شده است.

چ (نتیجه گیری

نور یکی از محورهای اساسی تفکر مذهبی و عرفانی در جهان بینی شرقی است. لذا حضور آن در زوایای مختلف آیین‌های مذهبی، به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. تأثیر عمیقی که این مفهوم بر متون عرفانی متصوفه داشته، مستقیماً برگرفته از جهان بینی قرآنی و روایات خاصی است که در این زمینه وارد شده است. سیر این تأثیرگذاری بدین گونه است که در متون متقدم، توجه به این مفهوم بسیار کم رنگ بوده ولی هر چه به اواخر قرن ششم نزدیک می‌شویم این اثرگذاری پررنگ تر می‌شود؛ تا جایی که متونی مستقل در شرح آیه نور و احادیث مرتبط با مفاهیم این آیه بر مشرب عرفانی نگاشته شده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱- نور در قرآن

راغب اصفهانی لفظ «نور» را از ریشه «نور» و روشنایی پراکنده‌ای معنی کرده که به دیدگان و بینایی کمک می‌کند و بر دو وجه است: (۱) نور دنیایی، (۲) نور آخرتی. نور دنیایی را هم بردو قسم می‌داند « (۱) نور معقول که کمک به چشم دل و بصیرت می‌کند، مثل نوری که از ضمیر و اوامر الهی است مانند نور عقل و نور قرآن، (۲) نور محسوس که به دیدن چشم ظاهر کمک می‌کند که از اجسام نورانی ساطع و منتشر می‌شود. مثل نور خورشید و ماه و ستارگان و سایر اشیا نورانی مثل آیه: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» و نور آخرتی مثل «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»^۲ .^۳

لفظ «نور»، چهل و سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است؛ از این میان، یازده مورد در سوره‌های مکی، و سی و دو مورد در سوره‌های مدنی آمده است. موارد کاربرد آن عبارتند از: نور، النور، نوراً، نورکم، نورنا، نوره، نورهم^۴ .
بر طبق روایات، نور از اسما الحسنی الهی است. در چهار آیه از قرآن کریم به اسما الحسنی اشاره شده است:

- (۱) «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^۵
(۲) «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ»^۶.

۱. یونس، ۵.

۲. حدید، ۱۳.

۳. غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، (تهران: مرتضوی، ۱۳۶۱)، ج ۳ ص ۴۰۶

۴. محمود روحانی، المعجم الاحصایی لافاظ القرآن الکریم، (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، ج ۳ ص ۱۵۸۶

۵. اعراف، ۱۸۰.

۶. اسراء، ۱۱۰.

(۳) «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۱.

(۴) «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۲.

تعداد اسما حسنی بنا به استقصای علامه «محمدحسین طباطبایی» صد و بیست و هفت اسم در قرآن است که برای خداوند ذکر شده‌اند^۳

بنابراین مفهوم نور یک مفهوم بنیادی در میان موضوعات قرآنی محسوب می‌شود. علاوه بر این، نام ششمین سوره قرآن نیز «نور» می‌باشد. در این سوره و در آیه سی و پنجم آن مستقلاً به این مفهوم پرداخته شده، لذا مفسرین این آیه را «آیه نور» نامیده‌اند. اسم «نور» به صورت خاص خود که دلالت بر یکی از اسما حسنی الهی دارد تنها یک بار در قرآن و آن هم، در همین آیه نور ذکر شده است. و در هیچ جای دیگر در قرآن لفظ نور برای اشاره به خداوند به کار نرفته است. به طور کلی اصلی‌ترین و عمومی‌ترین تعریفی که برای نور مطرح شده این تعریف است که نور حقیقتی است «ظاهر لِنَفْسِهِ وَ مَظْهَرٌ لِغَيْرِهِ». «بنا به اتفاق نظر اهل لغت و کلام در نور دو معنی معتبر است: یکی ظهور آن به خودی خود و دیگر ظهور دیگران به واسطه آن»^۴

از همین رو در تفسیر آن چهار وجه آمده است:

(۱) چون خداوند وجود بالذات دارد و فناپذیر نیست، نور می‌باشد.

(۲) خداوند روشنی بخش زمین و آسمانهاست .

(۳) هادی و راهنمای مخلوقات است.

(۴) به کسی که موجب اصلاح شهر و کشور گشته «نورالبلد» گفته می‌شود و از همین رو چون خداوند موجب اصلاح و آرامش است بدو نور گفته می‌شود .

این آیه بیان می‌کند که خداوند دارای نوری عمومی است که آسمان و زمین با آن نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور، در عالم وجود، حقایقی ظهور نموده که ظاهر نبوده است. «پس ظهور اشیا به نور الهی عین وجود یافتن آنهاست. بدین ترتیب نور مترادف وجود قرار می‌گیرد. چون وجود و هستی هر چیزی باعث ظهور آن چیز برای دیگران است و چون خدای تعالی، ایجاد

۱. طه، ۸

۲. حشر، ۲۴.

۳. بهالالدین خرمشاهی، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، (تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۷۷)، ج ۱ ص ۲۲۲

۴. خرمشاهی، ج ۲، ص ۲۲۷۸

کننده همه موجودات است کامل ترین مصداق برای نور نیز می باشد.^۱ از آنجا که ظهور همه اشیا چه برای خود و چه برای دیگران، ناشی از اظهار خداست و اگر خداوند چیزی را ظاهر نمی کرد و هستی نمی بخشید هیچ شی ظهور نمی یافت، پس قبل از هر چیز، ظاهر بالذات خداست. راغب نیز لفظ نور در این آیه را به معنای «منور» گرفته است «و سمی الله تعالی نفسه نورا من حیث انه هو المنور»^۲. میدی نیز در کشف الاسرار^۳ و غزالی در جواهر القرآن، نور را به همین معنی (منور) گرفته اند^۴ و ابوالفتح رازی^۵ و سورآبادی^۶ آن را به معنای روشن کنندگی و هدایت پذیرفته اند. میدی در کشف الاسرار، لفظ نور را در قرآن ذو معانی دانسته و ذیل تفسیر آیه ۱۷۴ از سوره نساء، معانی مختلف نور در آیات دیگر قرآن را عنوان کرده که به دلیل اهمیت آن، این آیات را ذکر می کنیم:

۱- «أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»^۷. نور در این آیه قرآن است.

۲- «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۸ به معنی دین اسلام

۳- «جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»^۹ به معنی ایمان .

۴- «وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ»^{۱۰} ایمانی که به آن هدایت یابید.

۵- «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^{۱۱} یعنی از کفر به ایمان.

۶- «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۱۲} یعنی بنوره و هداه یهتدی من فی السموات و الارض.

۱. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، (ترجمه محمد باقر موسوی همدانی)، چاپ هفدهم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳) ج ۱۵ ص ۱۶۹

۲. راغب، ص ۸۲۸

۳. فضل اله میدی، کشف الاسرار و عده الابرار، (علی اصغر حکمت)، چاپ پنجم، (تهران: امیر کبیر) ج ۶ ص ۵۴۲

۴. ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، (ترجمه حسین خدیو جم) چاپ سوم، (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵) ص ۳۶

۵. جمال الدین ابوالفتوح رازی، روح الجنان روح الجنان، (ابوالحسن شعرانی)، (تهران، کتاب فروش اسلامیه، ۱۳۹۸ ق) ج ۸ ص ۲۱۷

۶. ابوبکر عتیق سورآبادی، تفسیر قرآن کریم، (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵) ص ۳۹

۷. نسا، ۱۷۴.

۸. توبه، ۳۲.

۹. انعام، ۱۲۲.

۱۰. حدید، ۲۸.

۱۱. بقره، ۲۵۷.

۱۲. نور، ۳۵.

۷- « وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ والنُّورِ^۱ » به معنی روشنایی روز.

۸- « یَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ^۲ » به معنی روشنایی که مومنان را در صراط بود.

۹- « یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا^۳ » یعنی نورتو ما را بپوشاند.

۱۰- « إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ^۴ » به معنی بیان حلال و حرام و احکام و مواعظ^۵

طبق آیاتی که ذکر شد، اهمیت این مفهوم در قرآن دانسته می‌شود. همانطور که دیده شد نور در آیه (نساء، ۱۷۴) به معنی خود قرآن است. باید توجه کرد که این کتاب، جایی به لسان عربی ذکر می‌شود و جایی نور؛ در مرتبه اول شخص با مفاهیم ربروست و در مرتبه دوم با حقایق. در مرتبه نور، این کتاب حبل المتین است. یعنی قرآن کتابی است که آویخته شده است. لازمه آویختن، ذو مراتب بودن آن است و راه ارتباط با مراتب بالایی آن، همان استضایه و کسب نور است. پس قرآن نوری است آویخته که قابل چنگ زدن است. مراتب نوری قرآن از جنس مفاهیم نیستند بلکه حقایقی عقلی‌اند که خود عقل نیز، هم جنس با همین نور آویخته است. به همین دلیل است که خداوند پیوسته در قرآن، مؤمنین را به تعقل در آیات دعوت کرده است.

۱-۲- نور در احادیث

پیش از این مشخص شد که نور یکی از مفاهیم اساسی در قرآن کریم است. همین مساله موجب شده تا بازتاب گسترده‌ای در کلام بزرگان دین نیز داشته باشد. در احادیث، «نور» در موضوعات مختلفی به کار رفته است و از این منظر، احادیث به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- احادیثی که به منشا خلقت و آفرینش اولین اشیا عالم هستی می‌پردازند. از مهمترین این احادیث؛ (که به احادیث اوایل معروف‌اند) حدیث نبوی «اول ما خلق الله نوری» است که تقریباً در بیشتر متون عرفانی ذکر شده و مبنای نوعی جهان بینی خاص در عرفان اسلامی قرار گرفته است. نگرشی که بعدها با عنوان «حقیقت محمدیه» تبدیل به اصطلاحی خاص در عرفان نظری شد. همچنین حدیث «خلق الله الخلق فی الظلمة ثم رش علیهم من نوره»، که این نیز مانند حدیث قبلی، در بسیاری از کتب عرفانی نقل شده و تاویلات فراوانی از آن انجام شده است یا احادیثی که با

۱. انعام، ۱.

۲. حدید، ۱۲.

۳. تحریم، ۸.

۴. مائده، ۴۴.

۵. میبیدی، ج ۲، ص ۷۸۶.